

مجله پژوهش‌های حسابداری مالی
سال ششم، شماره چهارم، شماره پیاپی (۲۲)، زمستان ۱۳۹۳
تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۳/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۲۰
صص: ۲۳-۳۶

بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و جسورانه بودن مالیات

مهدی بهار مقدم^{۱*}، میثم امینی‌نیا^{**}

* دانشیار حسابداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان

m.bahar330@yahoo.com

** کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان

meysamamininia@yahoo.com

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و جسورانه بودن مالیات در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ است. همچنین، به این موضوع پرداخته شده است که آیا نوع مالکیت بزرگترین سهامدار (دولتی یا غیردولتی) بر جسورانه بودن رویه‌های مالیاتی شرکت‌ها تاثیر دارد یا نه. در این پژوهش، از درصد مالکیت بزرگترین سهامدار به عنوان معیار تمرکز مالکیت و نرخ مؤثر مالیاتی به عنوان معیار جسورانه بودن مالیات استفاده شده است؛ به این صورت که هرچه نرخ مؤثر مالیاتی کمتر باشد، به این معناست که شرکت رویه‌های مالیاتی جسورانه‌تری را دنبال می‌کند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که هرچه تمرکز مالکیت بالاتر باشد، شرکت‌ها در اتخاذ رویه‌های مالیاتی کمتر جسورانه عمل می‌کنند که احتمالاً به دلیل تمرکز مالکیت بالای دولتی است و مؤید فرضیه اجتماعی و سیاسی است.

واژه‌های کلیدی: تمرکز مالکیت، فرضیه اجتماعی و سیاسی، جسورانه بودن مالیات.

مقدمه

پژوهش‌های زیادی پیرامون نظام راهبردی شرکتی و جسورانه بودن مالیات در سایر کشورها انجام شده است. چن و همکاران (۲۰۱۰) یک رابطه منفی بین جسورانه بودن مالیات و مالکیت خانوادگی گزارش کرده‌اند [۱۲].

مینیک و نوگا (۲۰۱۰) رابطه بین ویژگی‌های هیئت مدیره و مدیریت مالیات را بررسی کرده‌اند [۲۵]. در ایران نیز تاثیر مالکیت نهادی به عنوان یک ابزار نظارتی بیرونی بر نرخ مؤثر مالیاتی بررسی شده است. در این پژوهش تاثیر تمرکز مالکیت به عنوان یک ویژگی حاکمیت شرکتی بر جسورانه بودن مالیات مورد بررسی شده است. مفهوم زیربنایی این موضوع که حاکمیت شرکتی بر جسورانه بودن رویه‌های مالیاتی می‌تواند تاثیر داشته باشد، به وسیله مسأله نمایندگی بین مدیران و سهامداران تشریح می‌شود. برای مدیران پیچیدگی و ابهام فعالیت‌های جسورانه مالیاتی می‌تواند سپری برای فرصت‌طلبی مدیران باشد [۱۵].

پاداش بر مبنای عملکرد مدیران نیز انگیزه‌ای برای گزارش سود بالاتر است که این سود بالاتر می‌تواند از طریق به‌کارگیری رویه‌های جسورانه مالیاتی ایجاد شود.

سهامداران نیز ممکن است رویه‌های جسورانه مالیاتی را ترجیح دهند [۱۲]؛ اگرچه منافع ناشی از استراتژی جسورانه مالیاتی می‌تواند با هزینه‌های پنهان نمایندگی مربوط به فرصت‌طلبی مدیران تهاتر شود. مالکیت متمرکز شده سبب کاهش مسأله نمایندگی می‌شود و قدرت نظارت را افزایش می‌دهد. هرچه

تمرکز مالکیت بیشتر باشد، کنترل بیشتری بر مدیران اعمال شده، عملکرد شرکت بهبود می‌یابد [۶].

بنابراین، انتظار می‌رود که تمرکز مالکیت بر رویه‌های مالیاتی شرکت تاثیر داشته باشند. مالیات سبب خروج عایدات شرکت می‌شود، اما می‌توان رویه‌هایی را در پیش گرفت، مانند سرمایه‌گذاری در طرح‌های مالیات‌کاه، تا از این طریق خروج جریان نقدی بابت پرداخت مالیات بر درآمد را کاهش داد.

در این پژوهش، به این سؤال پاسخ داده می‌شود که آیا تمرکز مالکیت سبب می‌شود که شرکت‌ها رویه‌های مالیاتی جسورانه‌تری را در پیش بگیرند؟

از طرف دیگر، تمرکز مالکیت ممکن است در اختیار شرکت‌ها و نهادهای دولتی باشد که این نهادها معمولاً در راستای افزایش درآمدهای دولتی و افزایش رفاه عمومی حرکت می‌کنند. بنابراین، سعی می‌شود به این سؤال نیز پاسخ داده شود که آیا شرکت‌هایی که تمرکز مالکیت در آن‌ها به دولت وابسته است، در پرداخت مالیات، جسورانه عمل می‌کنند یا نه؟

جسورانه بودن مالیات و عوامل مؤثر بر آن

تعریف یا معیار پذیرفته شده دانشگاهی از جسورانه بودن مالیات وجود ندارد [۱۸]. معمولاً تلاش یک شرکت برای حداقل کردن مالیات قابل پرداختش به صورت قانونی تعریف می‌شود، و معنی مشابهی با برنامه‌ریزی مالیاتی، مدیریت مالیات و اجتناب از پرداخت مالیات دارد که در حوزه‌های قانونی و اخلاقی توسط قانون‌گذاران مالیاتی پذیرفته شده است. عواملی که بر جسورانه بودن مالیات اثر

جسورانه بودن مالیات می‌تواند با هزینه‌ها و منافعی همراه باشد. مهم‌ترین منفعت، افزایش در ارزش بعد از مالیات شرکت است، که نشانه مثبتی برای سرمایه‌گذاران است. طبق تعریف دسای و دارماپالا (۲۰۰۹)، فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات عبارت است از: ابزارهای صرفه‌جویی مالیات که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد. این مورد ارزش پس از پرداخت مالیات شرکت را افزایش می‌دهد [۱۵]. صرفه‌جویی ناشی از فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند مبلغی ارزشمند برای ضعف مالی شرکت باشد و تامین مالی از طریق بدهی یا وجه نقد را کاهش دهد [۲۱].

اگر فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات، جانشینی برای استفاده از بدهی باشد، این امر می‌تواند کیفیت بدهی را افزایش و هزینه مورد انتظار ورشکستگی، ریسک ناتوانی در پرداخت بدهی و در نهایت هزینه بدهی را کاهش دهد [۲۴].

از طرف دیگر، پیچیدگی و ابهام فعالیت‌های جسورانه مالیاتی فرصت‌های خوبی برای سودجویی مدیران ایجاد می‌کند، چون شفافیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد [۱۳]. یکی از ریسک‌های بالقوه برای شرکت‌ها در اتخاذ استراتژی مالیاتی جسورانه این است که ممکن است ناخواسته در حوزه فرار مالیاتی وارد شوند که خط قرمزی برای ماموران مالیاتی است. اگر این قضیه اتفاق بیفتد، ممکن است به اعتبار آن‌ها آسیب بزند و سبب کاهش ارزیابی قیمت سهام توسط سرمایه‌گذاران شود [۱۲].

می‌گذارد، شامل ویژگی‌های شرکت و حاکمیت شرکتی است [۳۲].

سروستانی (۱۳۹۱)، به بررسی تاثیر ویژگی‌های خاص شرکت‌ها، نوع صنعت و مالکیت نهادی بر مدیریت مالیات پرداخت. نتایج پژوهش حاکی از آن است که از بین ویژگی‌های خاص شرکت، اندازه شرکت به‌طور منفی نرخ مؤثر مالیاتی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

همچنین، بین نسبت بدهی، شدت سرمایه‌گذاری در موجودی کالا و شدت سرمایه‌گذاری در دارایی ثابت با نرخ مؤثر مالیاتی رابطه‌ای مثبت و معنادار مشاهده شد. با وجود این، نتایج پژوهش بیانگر آن بود که بین فرصت‌های رشد و عمر شرکت با نرخ مؤثر مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، نتایج پژوهش گواه آن بود که مالکیت نهادی به‌طور منفی نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد [۵].

تعدادی از پژوهش‌ها ارتباط ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و به‌طور خاص انگیزه‌های مدیریتی را با رفتار جسورانه بودن مالیات شرکت‌ها بررسی کرده‌اند.

براساس پژوهش اسلمرد (۲۰۰۴)، سهامداران سطحی از جسورانه بودن مالیات را به وسیله ارتباط دادن پاداش مدیر مالیاتی با نرخ مؤثر مالیاتی، انتخاب می‌کنند [۳۱].

آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۰) شواهدی پیدا کردند مبنی بر این‌که انگیزه پاداش مدیران مالیاتی ارتباط منفی قوی با نرخ مؤثر مالیاتی براساس استانداردهای پذیرفته‌شده حسابداری دارد [۹].

به‌علاوه، منابع سرمایه‌گذاری شده در مدیریت مالیات، مانند فعالیت‌های قیمت‌گذاری انتقالی پیچیده و صرف کردن هزینه و زمان، می‌تواند هزینه فرصتی برای سایر سرمایه‌گذاری‌های سودآور باشد.

تمرکز مالکیت و جسورانه بودن مالیات

تمرکز مالکیت جنبه مهمی از حاکمیت شرکتی است و عاملی است که می‌تواند مسأله نمایندگی را کاهش دهد. مسأله نمایندگی در نتیجه تفاوت اهداف بین نماینده و مالک ظاهر می‌شود. مالکیت متمرکز شده، شرایطی است که تعداد کمی سهامدار بزرگ بخش مهمی از سهام شرکت را در اختیار دارند.

با داشتن سهم زیاد، بزرگ‌ترین سهامدار، می‌تواند به‌صورت دقیق‌تر و آسان‌تر نظارت کند و مدیریت را در انجام دادن کارهای غیرکارا محدود نماید.

بزرگ‌ترین سهامدار می‌تواند مدیریت را به انجام دادن سیاست‌ها در جهت اهداف مالک، نه مدیر، سوق دهد. کلاسنس (۱۹۹۷)، بیان کرد که مالکیت متمرکز شده ارزش شرکت را افزایش می‌دهد و مالکیت متمرکز شده با نظارت بهتر و کاهش مسأله نمایندگی همبستگی دارد [۲۲]. شلیفر و ویشنی (۱۹۸۶) نشان دادند که ارتباط مثبتی بین مالکیت متمرکز شده و ارزیابی شرکت وجود دارد [۲۸].

نتایج پژوهش مهدوی و میدری (۱۳۸۴) حاکی از آن است که تمرکز مالکیت در بازار اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۸۴ بالا بوده است. سهم ۵ سهامدار عمده در شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران به‌طور متوسط ۷۴ درصد، و سهم ۱۰ سهامدار بزرگ ۷۹ درصد، و سهم ۲۰ سهامدار به‌طور متوسط

۸۱/۹ درصد است. این محققان معتقدند که مقایسه شاخص‌های تمرکز مالکیت در بازار ایران و پنج کشور آمریکا، ژاپن، چین، آلمان و چک نشان می‌دهد که بازار سهام ایران دارای ساختار مالکیت بسیار متمرکز است. به‌علاوه، در ایران نیز مانند چک، تمرکز مالکیت بیشتر با کارایی بیشتری همراه است [۷].

منافع بزرگ‌ترین سهامدار ممکن است با منافع سایر سرمایه‌گذاران، کارکنان و مدیران منطبق نباشد.

بزرگ‌ترین سهامدار ممکن است مدیر را به تصمیم‌گیری‌هایی سوق دهد که به نفع خودش و نه به نفع سهامداران اقلیت باشد. بزرگ‌ترین سهامدار ظرفیت بیشتری برای سلب مالکیت سهامداران اقلیت دارد و ممکن است سبب کاهش ارزش شرکت شود. سهامداران کنترل‌کننده می‌توانند از کنترل مؤثرشان بر شرکت، از طریق شرکت داشتن در معاملات، به نفع خودشان استفاده کنند [۲۸].

گاهی حداکثر گزارش کردن سود شرکت، استراتژی بهینه شرکت نیست، زیرا اغلب افزایش سود سبب افزایش مالیات پرداختی می‌شود. حداقل کردن مالیات شرکت همیشه بهترین استراتژی نیست. حداقل کردن مالیات شرکت معمولاً سبب کمتر گزارش کردن سود می‌شود که اثر منفی بر قیمت بازار دارد. توازنی بین هزینه‌ها و منافع برای هر دوی این استراتژی - از یک طرف افزایش سود به عنوان معیار عملکرد و از طرف دیگر، کاهش مالیات پرداختی به عنوان معیار جریان نقدی - وجود دارد. استراتژی که انتخاب می‌شود، به اهداف مالکان بستگی دارد. اجتناب از پرداخت مالیات ممکن است سبب کاهش قیمت سهام و ارزش

اثر بگذارند تا اهداف سیاسی‌شان را دنبال کنند [۲۸]. یک سهامدار کنترل‌کننده دولتی می‌تواند از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس به عنوان یک وسیله برای دستیابی به اهداف سیاسی؛ حتی اگر در تضاد با منافع سایر سهامداران باشد، استفاده کند.

بنابراین، انتظار می‌رود در شرکت‌هایی که تمرکز مالکیت در اختیار دولت است، کمتر از رویه‌های جسورانه مالیاتی استفاده کنند [۸].

پیشینه پژوهش

ایزدی‌نیا و رسائیان (۱۳۸۸) ارتباط بین ساختار سرمایه و مالیات بردرآمد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش به صورت مقطعی و ترکیبی بیانگر عدم رابطه معنی‌دار بین ساختار سرمایه و مالیات شرکت‌ها است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از مدل با وقفه توزیعی به روش رگرسیون ترکیبی نیز بیانگر وجود رابطه معنی‌دار بسیار کم اهمیت بین ساختار سرمایه و مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است [۱].

باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) رابطه بین حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها را بررسی کردند. برای این منظور، از برخی از معیارهای مهم حاکمیت شرکتی شامل درصد اعضای غیرموظف در ترکیب هیأت مدیره، دوگانگی وظایف مدیر عامل و سهامداران نهادی استفاده شد. نتایج پژوهش بیانگر عدم تفاوت معنادار بین میانگین درصد اختلاف سود

شرکت شود، از طرف دیگر، سبب افزایش جریان نقدی می‌شود و توازن بین این دو وجود دارد [۲۷].

فشار بازار نقش مهمی در ارزیابی انتخاب‌های بهینه ایفا می‌کند. تمرکز مالکیت بالاتر سبب کاهش فشار بازار می‌شود. زمانی که فشار بازار کاهش می‌یابد، برای شرکت‌ها کم هزینه‌تر است که سود مشمول مالیات و سود حسابداری را کمتر گزارش کنند [۱۸].

نظارت در شرکت‌هایی که از نظر مالکیت متمرکز هستند، نسبت به شرکت‌هایی که به طور گسترده‌تر مالکیت می‌شوند، با دقت بیشتری صورت می‌گیرد. و انتظار می‌رود نظارت بهتر در جهت سودآوری بیشتر باشد. کلاسنس و همکاران (۱۹۹۶) شواهدی را ارائه کردند که تمرکز مالکیت بالاتر در جهت با ارزش‌گذاری بالاتر سهام شرکت توسط بازار و سودآوری بیشتر است [۱۳].

از آنجایی که بزرگ‌ترین سهامداران در یک شرکت ممکن است شرکت‌ها و نهادهای دولتی باشند، پژوهش‌های قبلی دو دیدگاه در ارتباط با مداخله دولت از طریق سهامداران کنترل‌کننده مطرح کرده‌اند: نظریه سیاسی و اجتماعی. براساس دیدگاه اجتماعی، شرکت‌هایی که به وسیله دولت کنترل می‌شوند، می‌توانند رفاه اجتماعی را حداکثر کنند [۸].

دولت گاهی از مالکیت دولتی برای دستیابی به اهداف اجتماعی‌اش مانند حداکثر کردن درآمدهای مالیاتی استفاده می‌کند [۲۹].

دیدگاه سیاسی نشان می‌دهد که سیاستمداران سعی می‌کنند بر شرکت‌هایی که توسط دولت کنترل می‌شوند،

مشمول مالیات ابرازی و قطعی در گروه شرکت‌هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا بودند، با گروه شرکت‌هایی بود که معیارهای حاکمیت را دارا نبودند [۲].

حساس یگانه و گل‌محمدی شورکی (۱۳۹۰) به بررسی رابطه بین ویژگی‌های شرکت و نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج پژوهش با در نظر گرفتن صنعتی که شرکت در آن فعالیت می‌کند، نشان می‌دهد که تقریباً هر صنعت دارای نرخ مؤثر مالیاتی مربوط به خود است. همچنین، نتایج حاکی از آن است که بین نرخ مؤثر مالیاتی با اندازه شرکت و سودآوری رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد و با اهرم مالی؛ رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار است. در ضمن، بین نرخ مؤثر مالیات و شدت سرمایه‌گذاری و ساختار مالکیت رابطه معنی‌داری مشاهده نشد [۴].

پورحیدری و سروستانی (۱۳۹۱) به بررسی تاثیر ویژگی‌های شرکت، نوع صنعت و مالکیت نهادی بر اختلاف مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های بررسی ۶۴ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۷ حاکی از آن بود که از بین ویژگی‌های شرکت، اندازه، فرصت‌های رشد و سودآوری شرکت با اختلاف مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌های مورد بررسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. با وجود این، بین میزان اهرم مالی و عمر شرکت با اختلاف مالیات ابرازی و قطعی رابطه معناداری مشاهده نشد.

همچنین، نتایج نشان داد که نوع صنعت نیز تاثیر معناداری بر روی اختلاف مذکور دارد و میزان اختلاف

مالیات ابرازی و قطعی در صنایع مختلف متفاوت است. افزون بر این، یافته‌های تحقیق بیانگر آن بود که مالکیت نهادی تاثیر معناداری بر روی اختلاف مالیات ابرازی و قطعی ندارد [۳].

خارانا و موزر (۲۰۰۹) به بررسی ارتباط بین افق سرمایه‌گذاری مالکان نهادی و جسورانه بودن رویه‌های مالیاتی طی دوره زمانی ۲۰۰۵ - ۱۹۹۸ پرداختند. این محققان از نرخ مؤثر مالیاتی نقدی ۵ ساله و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات دائمی به عنوان معیار جسورانه بودن مالیات استفاده کردند. هر چه نرخ مؤثر مالیاتی نقدی کوچک‌تر و تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات بیشتر باشد، شرکت‌ها در پرداخت مالیات جسورانه‌تر عمل می‌کنند. نتایج نشان داد که سرمایه‌گذاران نهادی دارای افق کوتاه مدت نسبت به سرمایه‌گذاران دارای افق بلند مدت، جسورانه‌تر عمل می‌کنند. به علاوه، نتایج بیانگر آن است که اثر مالکان نهادی بر تفاوت دائمی سود حسابداری و سود مشمول مالیات، در شرکت‌های با وجه نقد بالاتر مشخص‌تر است [۲۰].

اینگ (۲۰۱۱) به بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و ویژگی‌های هیأت مدیره با جسورانه بودن مالیات در بازار سرمایه چین طی دوره ۲۰۰۳-۲۰۰۹ پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد شرکت‌هایی که توسط دولت کنترل می‌شوند در رویه‌های مالیاتی خود کمتر به صورت جسورانه عمل می‌کنند و نرخ مؤثر مالیاتی بالاتری دارند. همچنین، اگر رئیس هیأت مدیره، مدیر عامل هم باشد، نرخ مؤثر مالیاتی شرکت پایین‌تر خواهد بود. و در نهایت، ارتباط معناداری بین نسبت

۱- شرکت‌هایی که تا پایان سال ۱۳۸۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
۲- در زمره شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی به دلیل متفاوت بودن ماهیت فعالیت آن‌ها قرار نگرفته باشد.
۳- سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد و در دوره مورد نظر تغییر سال مالی نداشته باشند.
۴- اطلاعات مورد نیاز برای انجام این پژوهش در آن‌ها وجود داشته باشد.
با اعمال شرایط مذکور تعداد ۶۰ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شدند که با توجه به ماهیت ترکیبی داده‌ها تعداد مشاهدات این پژوهش ۶۰۰ سال - شرکت است.

اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش متغیر وابسته:

نرخ مؤثر مالیاتی (ETR): هانلون و هتزمان (۲۰۱۰)، بیان کردند که تعریف و اندازه‌گیری اجتناب از پرداخت مالیات (جسورانه بودن مالیات) مشکل است [۱۸]. در این پژوهش به پیروی از دیرنگ و همکاران (۲۰۰۸)، از نرخ مؤثر مالیاتی (ETR)^۱ استفاده شده است [۱۲]. که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$ETR = \frac{Total\ Tax\ Expense_{it}}{Pre\ Tax\ Income_{it}}$$

که در رابطه فوق، $Total\ Tax\ Expense_{it}$ کل هزینه مالیات شرکت در سال مزبور و $Pre\ Tax\ Income_{it}$ بیانگر سود قبل از مالیات شرکت است.

اعضای غیرموظف هیأت مدیره و نرخ مؤثر مالیاتی پیدا نشد که ممکن است نقش غیرکارای اعضای غیرموظف را نشان دهد [۳۲].

جوی (۲۰۱۲) تاثیر مالکان نهادی بر جسورانه بودن مالیات را بررسی کرد. نتایج پژوهش او نشان داد که شرکت‌های با سطح بالاتر سرمایه‌گذاران نهادی دارای افق سرمایه‌گذاری کوتاه مدت، به احتمال بیشتری برنامه‌ریزی مالیاتی جسورانه را به کار می‌برند و تفاوت بیشتری بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات آن‌ها وجود دارد. همچنین، بررسی بیشتر نتایج نشان داد که بین مالکیت نهادی و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی رابطه منفی وجود دارد [۱۹].

فرضیه‌های پژوهش

۱- شرکت‌های با تمرکز مالکیت بالا، استراتژی مالیاتی جسورانه‌تری را دنبال می‌کنند.

۲- در شرکت‌هایی که تمرکز مالکیت در اختیار شرکت‌ها و نهادهای دولتی است، کمتر در پرداخت مالیات جسورانه عمل می‌کنند.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که از ابتدای فروردین ۱۳۸۱ تا پایان اسفند ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران فعال بوده‌اند. نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری حذفی و با اعمال شرایط زیر انتخاب شده است؛ به این صورت که شرکت‌هایی که دارای ویژگی‌های مذکور در ذیل بودند، انتخاب شده‌اند:

¹ Effective Tax Rate

متغیرهای مستقل:

تمرکز مالکیت (LSH)^۱: در این پژوهش از درصد سهام بزرگ‌ترین سهامدار به عنوان معیار تمرکز مالکیت استفاده شده است. این معیار در پژوهش اینگ (۲۰۱۱) [۳۲] استفاده شده است.

متغیر موهومی مربوط به نوع مالکیت بزرگ‌ترین سهامدار (LSH-Nature): اگر بزرگ‌ترین سهامدار یک شرکت یا نهاد وابسته به دولت باشد، عدد ۱ می‌پذیرد و در غیر این صورت صفر می‌پذیرد.

متغیرهای کنترلی:

مالکیت نهادی (Inst): بیانگر درصد سهام در اختیار مالکان نهادی است. مطابق با تعریف بوشی (۱۹۹۸) سرمایه‌گذاران نهادی، سرمایه‌گذاران بزرگ، نظیر: بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، موسسات بازنشستگی و ... هستند [۹].

اهرم مالی (Lev): از نسبت کل بدهی‌ها به دارایی‌های شرکت به دست می‌آید. ساختار سرمایه شرکت دیگر ویژگی است که انتظار می‌رود با نرخ مؤثر مالیاتی در ارتباط باشد. در ادبیات مالی از بدهی به عنوان یکی از سپرهای مالیاتی یاد می‌شود [۱۷].

این ادعا از آنجا نشأت می‌گیرد که هزینه بهره نوعی هزینه قابل قبول مالیاتی است و شرکتی که برای تامین نیازهای مالی خود از بدهی استفاده می‌کند، در نهایت سود کمتر و مالیات کمتری را پرداخت خواهد نمود.

استیکنی و مک جی (۱۹۸۲) و گوپتا و نیوبری (۱۹۹۷) در پژوهش‌های خود رابطه‌ای منفی بین نرخ مؤثر مالیاتی و سطح اهرم مالی مشاهده نمودند [۳].

اندازه شرکت (Size): از لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت به دست می‌آید. در مورد اندازه شرکت دو دیدگاه مطرح است: یکی فرضیه هزینه سیاسی است؛ به این صورت که شرکت‌های بزرگ‌تر بیشتر تحت نظارت دولت قرار دارند و این شرکت‌ها به دنبال راهکارهایی برای کاهش توجه هستند که این یکی از این راه‌های کاهش خالص سود گزارش شده به منظور اجتناب از توجه رسانه‌هاست.

بنابراین، شرکت‌های بزرگ‌تر کمتر از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند و نرخ مؤثر مالیاتی بالاتری دارند.

پژوهش‌های صورت گرفته توسط افرادی، همچون رونن و آهارونی (۱۹۸۹) مؤید فرضیه هزینه سیاسی در ایالات متحده است [۳].

دیدگاه دوم تئوری قدرت سیاسی است. مطابق با این تئوری، شرکت‌های بزرگ‌تر از قدرت سیاسی و اقتصادی ممتازی نسبت به شرکت‌های کوچک‌تر بهره می‌برند.

این شرکت‌ها با استفاده از قدرت اقتصادی و زد و بندهای سیاسی، می‌توانند در طرح‌ها و پروژه‌های کاهنده مالیات سرمایه‌گذاری کرده و در نهایت، هزینه مالیات کمتری را متحمل شوند [۳].

بنابراین، شرکت‌های بزرگ‌تر بیشتر از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند و نرخ مؤثر مالیاتی کمتری دارند.

¹ Largest Shareholder

مدل رگرسیونی پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیون چند متغیره زیر استفاده می‌شود:

$$ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 LSH_{it} + \beta_2 LS - Nature_{it} + \beta_3 INST_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 Size_{it}$$

ETR: نرخ مؤثر مالیاتی؛

LSH: درصد سهام نگهداری شده توسط بزرگ‌ترین سهامدار؛

LSH-Nature: ماهیت بزرگ‌ترین سهامدار. اگر بزرگ‌ترین سهامدار دولت باشد، برابر عدد ۱ و در غیر این صورت برابر صفر در نظر گرفته می‌شود؛

Inst: درصد سهام نگهداری شده توسط مالکان نهادی؛

LEV: اهرم مالی. برابر است با نسبت کل بدهی‌ها به دارایی‌ها؛

Size: اندازه شرکت. برابر با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

اطلاعات مربوط به آمار توصیفی متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش در نگاره (۱) منعکس گردیده است. همان‌طور که در جدول مشخص است، میانگین نرخ مؤثر مالیاتی، (۰/۰۹۸)، است این در حالی است که نرخ مالیاتی قانونی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس ۲۲/۵٪ است. همچنین، میانگین درصد بزرگ‌ترین سهامدار (LSH)، ۰/۵۳۶ است که نشان می‌دهد به‌طور متوسط بزرگ‌ترین سهامدار، سهامدار کنترل‌کننده است و نشان می‌دهد تمرکز مالکیت در بازار سرمایه ایران بسیار بالاست. همچنین، میانگین تمرکز مالکیت در اختیار شرکت‌ها و نهادهای وابسته به دولت، ۰/۷۹۵ است.

نگاره ۱. آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
ETR	۰/۰۹۸	۰/۰۸۶	۰/۸۳۶	۰/۰۰۰	۰/۰۹۸
LSH	۰/۵۳۶	۰/۵۱۰	۰/۹۹	۰/۱۳۰	۰/۱۹۲
LSH-Nature	۰/۷۹۵	۱	۱	۰/۰۰۰	۰/۴۰۳
Inst	۰/۸۰۷	۰/۸۳۰	۱۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۵۸
LEV	۰/۶۷۰	۰/۶۷۸	۱/۳۵	۰/۰۳۸	۰/۲۷۵
Size	۱۳/۲۵	۱۳/۶۰	۱۶/۱۷	۹/۲۹	۱/۲۷۴

نتایج آزمون همبستگی پیرسون

برای بررسی وجود رابطه خطی و شدت همبستگی بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. این ضرایب به همراه سطح معناداری ارائه گردیده‌اند. همان‌طور که در نگاره (۲)

مشاهده می‌شود، بین نرخ مؤثر مالیاتی و درصد مالکیت بزرگ‌ترین سهامدار و متغیر موهومی مربوط به مالکیت دولتی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، بین نرخ مؤثر مالیاتی و اندازه شرکت همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

نگاره ۲. نتایج آزمون همبستگی پیرسون

Size	Lev	Inst	LSH-Nature	LSH	ETR	
					۱	ETR
				۱	۰/۰۷**	LSH
			۱	۰/۱۹	۰/۱۱**	LSH-Nature
		۱	۰/۱۶	۰/۱۷***	۰/۱۸	Inst
	۱	۰/۱۲***	۰/۰۱	۰/۰۶	۰/۳۱	Lev
۱	-۰/۲۰***	۰/۲۲***	۰/۱۴***	۰/۳۱***	۰/۲۴***	Size

***،** به ترتیب معنی‌داری در سطح ۰/۹۵ و ۰/۹۹

برآورد مدل و آزمون فرضیه‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی (OLS)، برای آزمون همبستگی بین پسماندها از آماره دوربین - واتسون و برای بررسی همخطی از عامل تورم واریانس استفاده شده است.

در بررسی داده‌های مقطعی و سری زمانی، اگر ضرایب اثرهای مقطعی و اثرهای زمانی معنی‌دار نشود، می‌توان داده‌ها را با یکدیگر ترکیب کرده و به وسیله یک رگرسیون حداقل مربعات معمولی تخمین

بزنیم. از آنجایی که در اکثر داده‌های ترکیبی اغلب ضرایب مقاطع یا سری‌های زمانی معنی‌دار هستند، مدل رگرسیون ترکیب شده کمتر استفاده می‌شود [۳۰].

با توجه به ساختار ترکیبی داده‌ها، برای بررسی ترکیب‌پذیری از آزمون چاو و برای بررسی وجود اثر ثابت از آزمون هاسمن استفاده شده است. برای بررسی ترکیب‌پذیری از آزمون چاو استفاده شده است. با توجه به نتایج به دست آمده در نگاره (۳)، روش ارجح انتخاب شد.

نگاره ۳. نتایج آزمون چاو و هاسمن

نوع آزمون	مقدار آماره	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	نتیجه	روش تأیید شده
آزمون چاو	۴/۶۳	۴۲/۳۸	۰/۰۰	رد H_0	پانلی
آزمون هاسمن	۱۶/۶۹	۵	۰/۰۰	رد H_0	اثر ثابت

در فرضیه اول پژوهش به بررسی تاثیر تمرکز مالکیت بر نرخ مؤثر مالیاتی و به‌طور کلی، مفهوم جسورانه بودن مالیات پرداخته شده است. هر چه نرخ مؤثر مالیاتی کمتر باشد، به این معنی است که شرکت در رویه‌های مالیاتی جسورانه‌تر عمل می‌کند. آماره F به دست آمده از مدل در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است، بنابراین، کل مدل از لحاظ آماری معنادار است. آماره دوربین واتسون ۱/۶۲ است که بیانگر عدم خودهمبستگی بین اجزای اخلاص رگرسیون است. همچنین، برای بررسی همخطی از عامل تورم واریانس استفاده شده

است، همچنان‌که در نگاره (۴) مشاهده می‌شود، کلیه عوامل تورم واریانس کمتر از ۵ است که بیانگر عدم همخطی بین متغیرهای پژوهش است.

همان‌طور که در نگاره مشخص است، ضریب تمرکز مالکیت، (۰/۰۷۹) و در سطح ۹۵ درصد معنادار است اما مقدار آن مثبت است. در فرضیه اول پژوهش این ادعا مطرح شده بود که تمرکز مالکیت بالا سبب کاهش نرخ مؤثر مالیاتی می‌شود.

به عبارت دیگر، این گونه شرکت‌ها رویه‌های مالیاتی جسورانه‌تری را دنبال می‌کنند و خروج وجه

نرخ مؤثر مالیاتی بالاتری دارند و رویه‌های جسورانه کمتری دارند.

همان‌طور که در نگاره (۴) مشاهده می‌شود، ضریب متغیر موهومی مربوط به مالکیت دولتی، (۰/۰۲۳)، مثبت و در سطح اطمینان ۹۰ درصد معنادار است. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش تایید می‌شود.

نقد بابت پرداخت مالیات کاهش می‌یابد. انتظار می‌رفت که ضریب درصد بزرگ‌ترین سهامدار منفی باشد، اما با توجه به این که این ضریب مثبت شده است، فرضیه اول پژوهش رد می‌شود. در فرضیه دوم پژوهش به این موضوع پرداخته شد که اگر بزرگ‌ترین سهامدار (تمرکز مالکیت)، دولت و نهادهای وابسته به دولت باشد، شرکت‌ها

نگاره ۴. نتایج آزمون فرضیه پژوهش

$$it = \beta_0 + \beta_1 LSH_{it} + \beta_2 LSH - Nature_{it} + \beta_3 INST_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 Size_{it}$$

متغیرها	ضریب	آماره t	معناداری	عامل تورم واریانس	تولرانس
مقدار ثابت	۰/۲۵۹	۲/۷۴۴	۰/۰۰۶	-	-
LSH	۰/۰۷۹	۲/۲۸۳	۰/۰۲۲	۱/۲۰	۰/۸۳
LSH-Nature	۰/۰۲۳	۱/۷۳۶	۰/۰۸۳	۱/۱۸	۰/۸۴
Inst	۰/۰۲۶	۰/۴۶۶	۰/۶۴	۱/۰۸	۰/۹۲
Lev	-۰/۰۱۲	-۰/۶۲۳	۰/۵۳	۱/۰۳	۰/۹۶
Size	-۰/۰۱۷	-۳/۰۱۶	۰/۰۰	۱/۳۱	۰/۷۶
آماره F			۱۴/۵		
معناداری F			۰/۰۰		
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۳۱		
آماره دوربین واتسون			۱/۶۲		

بیشتری دارند و کمتر رویه‌های جسورانه مالیاتی را دنبال می‌کنند که برخلاف فرضیه اول پژوهش است. این نتیجه با پژوهش اینگ (۲۰۱۱) مطابقت ندارد. همان‌طور که در نگاره مربوط به آمار توصیفی متغیرها نشان داده شده است، به‌طور متوسط در ۷۹ درصد موارد دولت بزرگ‌ترین سهامدار است.

مطابق با فرضیه اجتماعی، شرکت‌هایی که به وسیله دولت کنترل می‌شوند، می‌توانند رفاه اجتماعی را حداکثر کنند و دولت گاهی از مالکیت دولتی برای دستیابی به اهداف اجتماعی مانند حداکثر کردن درآمدهای مالیاتی استفاده می‌کند. در فرضیه دوم به بررسی این موضوع پرداخته شده که اگر دولت

ETR = نرخ مؤثر مالیاتی؛ LSH = درصد سهام بزرگ‌ترین سهامدار؛ LSH-Nature = متغیر موهومی که اگر بزرگ‌ترین سهامدار دولت باشد ۱ می‌پذیرد و در غیر این صورت ۰ می‌پذیرد؛ Inst = درصد سهام در اختیار مالکان نهادی؛ Lev = نسبت بدهی؛ Size = اندازه شرکت.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش تاثیر تمرکز مالکیت و نوع تمرکز مالکیت بر جسورانه بودن مالیات بررسی شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که هرچه تمرکز مالکیت بالاتر باشد، شرکت‌ها نرخ مؤثر مالیاتی

بزرگ‌ترین سهامدار باشد، چه تاثیری می‌تواند بر جسورانه بودن مالیات داشته باشد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که در این حالت نیز رویه‌های جسورانه مالیاتی کاهش می‌یابد و فرضیه دوم تایید می‌شود. این نتیجه با پژوهش اینگ (۲۰۱۱) مطابقت دارد. به‌طور کلی، نتیجه پژوهش بیانگر تایید فرضیه اجتماعی و سیاسی در ایران است.

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود برای حمایت از حقوق سهامداران اقلیت قوانینی وضع شود؛ برای مثال، با توجه به این‌که در ایران مالکیت در دست دولت متمرکز شده است، قانونی وضع شود که تمرکز مالکیت غیرخصوصی بیش از درصد معینی از سهام نباشد.

همچنین، با توجه به این‌که نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌های با تمرکز مالکیت دولتی بالا در جهت حداکثر کردن ثروت سهامداران حرکت نمی‌کنند، پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاران در هنگام تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری، شرکت‌هایی را انتخاب کنند که تمرکز مالکیت دولتی در آن‌ها پایین باشد.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی، پژوهش حاضر را با استفاده از سایر معیارهای جسورانه بودن مالیات مانند نرخ مؤثر مالیاتی نقدی یا تفاوت سود مشمول مالیات و سود حسابداری انجام دهند. همچنین، از درصد سهام سه سهامدار بزرگ یا پنج سهامدار بزرگ به عنوان معیار تمرکز مالکیت استفاده شود.

محدودیت پژوهش

به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات، در تعیین درصد سهام در اختیار بزرگ‌ترین سهامدار، مالکیت

منابع

۱- ایزدی‌نیا، ناصر و امیر رسائیان. (۱۳۸۸). ساختار سرمایه و مالیات بر درآمد شرکت‌ها. فصلنامه تخصصی مالیات، شماره چهارم. صص ۲۸-۱۴.

۲- باباجانی، جعفر و مجید عبدی. (۱۳۸۹). رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها. پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم، ش ۳، صص ۸۶-۶۵.

۳- پورحیدری، امید و امیر سروستانی. (۱۳۹۱). بررسی تاثیر ویژگی‌های شرکت، نوع صنعت و مالکیت نهادی بر اختلاف مالیات قطعی و ابرازی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه مالیات، ش ۶۲، صص ۶۲-۴۳.

۴- حساس یگانه، یحیی و مجتبی گل محمدی شورکی. (۱۳۹۰). رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و ویژگی‌های شرکت. پژوهشنامه مالیات، شماره دوازدهم. صص ۲۶۳-۲۳۹.

۵- سروستانی، امیر. (۱۳۹۱). بررسی تاثیر ویژگی‌های خاص شرکت، نوع صنعت و مالکیت نهادی بر مدیریت مالیات. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

۶- مشایخ، شهناز و مهین عبداللهی. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت، عملکرد شرکت و سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، سال سوم، شماره چهارم، صص ۸۶-۷۱.

- Accounting, Auditing and Taxation*, Vol 7, No 1, Pp 47-63.
- 22- Klassen, K. J. (1997), "The Impact of Inside Ownership Concentration on the Trade-Off between Financial and Tax Reporting", *The Accounting Review*, Vol 72, No 3, Pp 455-474.
- 23- Lanis, R., G. Richardson. (2011). Corporate Social Responsibility and Tax Aggressiveness: An Empirical Analysis, *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol 31, Pp 86-108.
- 24- Lim, Y. D. (2011). Tax Avoidance, Cost of Debt and Shareholder Activism: Evidence from Korea. *Journal of Banking and Finance*. Pp 456-470.
- 25- Minnick, K., T. Noga. (2010). Do Corporate Governance Characteristics Influence Tax Management, *Journal of Corporate Finance*, Vol 16, Pp 703-718.
- 26- Ronen J., A. Aharoni. (1989). The Choice Among Accounting Alternatives and Management Compensation: Effects of corporate tax, *The Accounting Review*, Vol 64, No 1, Pp 69-86.
- 27- Shackelford, D., and T. Shevlin. (2001). Empirical Tax Research in Accounting. *Journal of Accounting and Economics*, Vol 31, Pp 321-387.
- 28- Shleifer, A., and Vishney, R. (1986). Large Shareholders and Corporate Control, *Journal of Political Economy*, Vol 94, Pp 461-488.
- 29- Siegfried, J. (1972). The Relationship between Economic Structure and the effect of Political Influence: Empirical Evidence from the Federal Corporation Income Tax Program, Ph.D. Dissertation, University of Wisconsin.
- 30- Stickney, C.P., V. E. Mcgee. (1982). Effective Corporate Tax Rates: The Effect of Size, Capital Intensity, Leverage and other Factors, *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol 1, No 2, Pp 125-152.
- 31- Slemrod, J. (2004). The Economics of Corporate Tax Selfishness. *National Tax Journal*, Vol 57, Pp 877-899.
- 32- Ying, zh. (2011). Ownership Structure, Board Characteristics and Tax Aggressiveness. A Thesis for Master of Philosophy in Business. Lingnan University.
- 33- Yaffee, R. (2003). "A Primer for Panel Data Analysis", New York University, Information Technology Services
- 34- Zimmerman, J. (1983). Taxes and Firm Size. *Journal of Accounting & Economic*. 1983. Vol 5, Pp 119-149.
- ۷- مهدوی، ابوالقاسم و احمد میدری. (۱۳۸۴). ساختار مالکیت و کارایی شرکت‌های فعال در بازار اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های اقتصادی*، ش ۷۱، صص ۱۰۳-۱۳۲.
- 8- Atkinson, A., Stiglitz, J., (1980). *Lectures on Public Economics*. London . McGraw Hill.
- 9- Armstrong, S, C. Blouin, L, J. Larker, F. D. (2012). The Incentives for Tax Planning. *Journal of Accounting and Economics*. Vol 53, Pp 391-411.
- 10- Bai, C. E., Li, D., Tao, Z. G., Wang, Y. J., (2000). A Multitask Theory of State Enterprise Reform. *Journal of Comparative Economics*. Vol 28, Pp 716-738.
- 11- Bushee, B. (1998). The Influence of Institutional Investors on Myopic R & D Investment Behavior. *Accounting Review*. Vol 73, Pp 305-334.
- 12- Chen, S., Chen, X., Cheng, Q., Shevlin, T. (2010). Are Family Firm more Tax Aggressive than Non-Family Firm? *Journal of Financial Economics*. Vol 20, Pp 267-292.
- 13- Claessens, S. (1997). "Corporate Governance and Equity Prices: Evidence from the Czech and Slovak Republic", *The Journal of Finance*, Vol 52, Pp 1641 - 1658.
- 14- Dyreng, S. D., Hanlon, M., Maydew, E. L. (2009). The Effects of Executives on Corporate Tax Avoidance. *Working Paper*.
- 15- Desai, M.A., Dharmapala, D. (2009). Corporate Tax Avoidance and Firm Value. *Review of Economics and Statistics*. Vol 91, Pp 537-546.
- 16- Graham, J.R., Tucker, A. (2006). Tax Shelters and Corporate Debt Policy. *Journal of Financial Economics*. Vol 81, Pp 563-594.
- 17- Gupta, S., and K. Newberry. (1997). Determinants of the Variability in Corporate Effective Tax Rates: Evidence from Longitudinal Data. *Journal of Accounting and Public Policy*. Vol 16, Pp 1-34.
- 18- Hanlon, M. and S. Heitzman. (2010). A Review of Tax Research. *Journal of Accounting and Economics*. Vol 50, Pp 127-178.
- 19- Joy, E. (2012). The Influence of Institutional Investment on Tax Aggressiveness. Ssrn.com.
- 20- Khurana, I; Moser, W. (2009). Institutional Ownership and Tax Aggressiveness. Ssrn.com.
- 21- Kim, K. A., P. Limpaphayom. (1998). Taxes and Firm Size in Pacific-Basin Emerging Economies, *Journal of International*



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

An Investigation of the Relationship between Ownership Concentration and Tax Aggressiveness

*** M. Baharmoghadam**

Associate Professor of Accounting, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

M. amininia

Master of Accounting, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

Abstract

The main objective of this study is to investigate relationship between ownership concentration and tax aggressiveness for companies listed in Tehran Stock Exchange (TSE) from 2002 to 2011. The research question is whether the type of largest shareholder ownership (public or private), affects tax aggressiveness or not. In this study largest shareholder ownership is used as concentration ownership measurement and effective tax rate as tax aggressiveness measurement. Lower the effective tax rate it means that firm is tax aggressive. Results of study indicate that when ownership concentration is higher, the firm is less tax aggressive. Probably this is due to the high concentration of state ownership. Social and political theory is confirmed.

Keywords: Ownership Concentration, Social and Political Theory, Tax Aggressiveness.

